

نامه ای از طرف نور علی برای محترم نوجو

شهر همبورگ آلمان 25.05.2011

محترم نو جو صاحب! به شما و دوستان همکار شما سلام و احترامات تقدیم میکنم. قبل از همه به جا میدانم تا از سایت وزین «سیمای شغنان» ابرز سپاس و شکران نمایم از اینکه پل ارتباطی مستحکم و مطمئنی را بین ما و شما برقرار ساخته است. نامه های شما عنوانی محترم نیرو صاحب ما را نیز از وضوح پیش آمده در جریان کمپاین انتخاباتی که شما آنرا در پرتو دانش و تجارب غنی خویش مورد تحلیل و تجزیه قرار داده اید، در روشنی قرار داد. از طرح مبتکرانه شما مبنی بر ایجاد «انجمن تحصیل کرده های پامیر» همچنان آگاه شدیم، مواجه شدن این طرح بزرگ به عکس العمل مثبت محترم نیرو صاحب و محترم حسنیار صاحب قابل ستایش و تمجید است که این دو هموطن دوست داشتنی ما را همچون پر وانه های شمع معرفت در صدر معارف دوستان قرار میدهد و بلاخره نوشته اخیر شما تحت عنوان «وضوح انکشاف در ولسوالی های...» انگیزه نوشتار دیگری از محترم استاد پیکار صاحب تحت عنوان «از گپ، گپ می خیزد» شد. از محتوای نوشته محترم پیکار صاحب، شما و سایر خوانندگان محترم کاملاً در جریان هستید و اما از مجموع مسایل مورد بحث صرفاً مطلبی را خدمت شما و خوانندگان عزیز به عرض میرسانم که شما و پیکار صاحب هر دو روی آن صحبت همسان با تفاوت مکانی و زمانی دارید (البته تا جائیکه من متوجه شدم) و آن عبارت از گله های شما از مردم (نه همه مردم) در شغنان - بدخشان و عده از به اصطلاح روشنفکران (همه تحصیل کرده ها به مفهوم واقعی کلمه روشنفکر نیستند) در کانادا است. من با شناختی که از هر دوی شما به حیث دانشمندان پر افتخار و مردم شناس وطن مان دارم گله گذاری و شکوه شما را گله مندی محض تلقی نمیکنم بلکه شما روی خطی انگشت گذاشتید یا بهتر بگویم خطی را به معرفی گرفته اید که از قرون متمادی (اگر مبالغه نشود) تا کنون موجب بربادی و خرابی وطن و مردم آن شده است. این خط جز همان عدم اتحاد و اتفاق چیز دیگری نیست. میدانم، از نظر ژرف نگرانه شما پنهان نیست که عوامل متعدد به هم پیوسته سبب بروز اختلافات و چندگانگی در بین مردم ما گردیده است. اجازه دهید غرض تبادل نظر کوتاه با شما و خوانندگان عزیز جزئیات این عوامل را با نتایج زیان بار آن تا آنجا ئیکه در فهم خود دارم بر شمارم:

برخورد دو پهلو، حيله و نيرنگ بازى، كار شكنى، تفوق طلبى، بلند پروازى بدون دلايل عينى، حسادت، بيگانه پرستى، تملق، برخورد لاقيدانه نسبت به شخصيت ها و در پاره موارد شخصيت شكنى وغيره در يك كلافه خيلى بهم پيچيده باعث ايجاد خلاء اى شده كه در آن اعتماد به نفس را در بين مردم و روشنفكران به تقليل ميبرد، به عناصر فرصت طلب و دشمنان آشكار و نهان زمينه تاخت و تاز را مهيا ميسازد و از تمرکز نيرو در مسير واحد خود گردانى ادارى و سياسى جلو گيرى بعمل مى آورد. ساير پيامد هاى منفى ناشى از عدم هم آهنگى در جهت رقم زنى سرنوشت مردم بدست خود شان به شما بهتر معلوم است، چون ميدانم شما از بافت مناسبات مختلف مردم آگاهى وسيح داريد. نميخواهم مطلب را بيشتر از اين به درازا بكشانم كه از طرف مرور كنندگان اين سطور به عبارت پردازى تعبير شود و اما جهت ديگر مطلب را نبايد از نظردور داشت كه روحيه هموطنان ما در خارج كشور و عمدتاً در كانادا به درجات متفاوت از وضع كشور و محلات مربوطه اثر پذير است كه نشانه از عدم پختگى سياسى در وجود آنها به وضاحت ديده ميشود. فكر ميكنم تعداد معدودى از روشنفكران برجسته و اثر گذار مقيم كانادا زير بار وضع نامطلوب (از آن جهت كه عده زيادى صرف به خود توجه دارند و نه به ديگران) نرفته اند.

بررسى دقيق و همه جانبه شما از وضع شغنان - پامير با بررسى محترم استاد پيكار صاحب از وضع هموطنان ما مقيم كانادا داراى نقاط مشتركى هستند كه زياد دل گرم كننده نيست ولى با اين همه به انجام نهائى امور مشترك كه خير و سعادت جمعى در آن مضمر باشد خوشبين هستيم. «تاريشه در آب هست اميدى ثمرى است.»

محترم نو جو صاحب! مطلب ديگرى كه طور مقدمه گونه براى ارائه نظريات مختصرم در ارتباط به طرح ايجاد «انجمن تحصيل كرده هاى پامير» با شما و خوانندگان گران قدر درميان ميگذارم عبارت از شيوه خدمت گذارى است، ياد آوري ميكنم كه اين عبارت در نوشته (12 ثور 1390) محترم پوهندوى پيكار صاحب توجه ام را به خود معطوف كرد كه من هم سخنى در سينه براى نوشتن دارم. شيوه خدمت گذارى (منظور از خدمت گذارى مقدس براى نيل به هدف مقدس است) يكي از مسايل بحث بر انگيز در بين محافل و حلقات سياسى و اجتماعى است. شيوه و طرق خدمت گذارى معدود و مقيد به ايدى و لوزى و يا خط

فکری خاص نیست. همه افراد و اشخاص به صورت انفرادی و یا جمعی، سازمانها و نهاد های اجتماعی و سیاسی در مسیر های متعدد خدمت گذاری حرکت میکنند و اما اینکه نتیجه تلاش و فعالیت اشخاص، سازمان ها و نهاد ها در آخرین تحلیل به نفع کی و چه کسانی (اکثریت مطلق و یا اقلیت بسیار معدود) می انجامد، مربوط به اهدافی است که آنها در سر لوحه کاری خود قرار میدهند .

محترم نوجو صاحب ! از مطالعه نوشته شما زیر عنوان « وضع انکشاف در ولسوالی های حوزه... » ناگزیرم به برخی مسایل به صورت بسیار فشرده اشاراتی داشته باشم، با آنکه این کار به حجم نامه می افزاید و شاید هم موجب کسالت گردد، اما در حد امکان کوشش میکنم که از موضوع خارج نشوم. انکشاف و پیشرفت در ساحات مختلف زندگی مردم شغنان و پامیرات مایه مسرت همه ماست، من شخصاً شاهد گوشه از این انکشافات در طی سفری که تقریباً بعد از 20 سال به وطن داشتم، هستم و اما در مورد چالش ها و پیش زمینه های آن، لطفاً اجازه دهید سخنان کوتاهی را به عرض برسانم :

مطالبی که بیشتر توجه مرا جلب کرد به گروه (قشر) تحصیل کرده یا روشنفکران مربوط میشود. اکثراً از روشنفکران ما بشکل گروهی و یا انفرادی چه در سطح کشور و یا محلات از ابتدای پا گذاشتن به عرصه سیاست به عوض انجام دادن خدمت به مردم و وطن در صدد ثابت ساختن حقانیت راه انتخاب شده خویش شدند و آنقدر در این راستا پا می فشارند و اصرار میورزند که قدرت دید سایر ارزش ها از دست میدهند و یا آنها را نا دیده می انگارند. شما وقوف کامل دارید که در چند دهه اخیر بازی گران اصلی (به اصطلاح روشن فکران) سیاست، اعم از چپی ها و راستی ها در تبانی با پشتیبانان خارجی خویش با در دست داشتن بخشی از حقیقت و با تصور واهی اینکه گویا حقیقت مطلق را در اختیار دارند، به جنگ و ستیز با همدیگر پرداختند که هنوز ادامه دارد. با ارائه مطلب فوق امید وارم این عبارت نوشته شما « اختلافات گروهی ناشی از حوادث تاریخی در روند تحولات و جنگ های تحمیلی ... » درست درک کرده باشم .

محترم نوجو صاحب ! من در مورد تلاش در سیاسی ساختن معارف در شغنان چیزهای قبلاً شنیده بودم که شما آنرا در ردیف چالش ها بازتاب داده اید که مایه نگرانی و تأسف است و کسانی که به این کار اقدام میورزند، جفای بزرگی را در حق

مردم و اولاد وطن روا میدارند. پیامد منفی این عمل به گردانندگان اصلی آن برخواهد گشت، همچنان برخورد تبعیض آمیز، اختلافات محلی بین قریه جات و سایر مشکلات نا راحت کننده است که بار سنگین آن همه را شما یکجا با مردم محل بدوش میکشید. یقین دارم، شما با تفکر سالم از مسیر های متعدد دی که در جهت ترقی و پیشرفت وطن قرار دارد استفاده خواهید برد که یکی هم همین طرح ایجاد « انجمن تحصیل کرده های پامیر » است. آوردن بخش فعال و آگاه جامعه پامیر زمین تحت هر عنوانی که باشد در زیر یک چتر میتواند و باید بتواند افق های تازه پیشرفت را نمایان سازد. ایجاد چنین نهاد علمی ای که بدون هر گونه ملاحظات سیاسی، فارغ از تبعیض و متعلق بودن به همه صرفاً ضرورت نه، بلکه یک ضرورت حیاتی است.

محترم نو جو صاحب! طبعاً شما با در نظر داشت شرایط عینی و ذهنی محیط و محلات و وظایف و مکلفیت های انجمن را مشخص و معین ساخته اید، از اینکه من از وضوح آنجا معلومات دقیقی ندارم اصرار و پافشاری نمیکنم اما اگر در ستون وظایف انجمن، تعمیم و گسترش کورس های سواد آموزی و تنظیم داوطلبانه مردم محل در این کورس ها علاوه گردد، به سنگینی وظایف انجمن خواهد افزود ولی در عوض نتایج ثمر بخش در پی خواهد داشت (طرز عبارت سازی به شما تعلق دارد).

در طرح آیین نامه (اگر اشتباه نکرده باشم) طرز العمل پذیرش به انجمن وضاحت لازم ندارد. درمورد وظایف و مکلفیت های کسانی که در خارج از کشور بسر میبرند و حضور فیزیکی در منطقه و محل ندارند (در صورت حصول عضویت انجمن) چیزی درج نگردیده است، البته مسئله ایجاد صندوق پولی در جای خود است. اجازه دهید در مورد ایجاد چنین صندوق و مؤثریت آن مختصراً نظریات خود را از طریق این سایت با شما و خوانندگان عزیز شریک سازم، یکی از دریافته های من از لابلای نوشته شما اینست که شما بیشتر از قبل عمل گرا شده اید، طرح و ایجاد انجمن « تحصیل کرده های پامیر » خود گواه زنده این امر است. نا گفته پیداست که انجمن متذکره به همه ما بدون استثنا متعلق خواهد بود و اگر دقیق تر بگویم این انجمن که قرار است ایجاد شود به معارف مناطق سرحدی تعلق خواهد گرفت، از اهمیت معارف و دانش در امور دینی و دنیوی نیز همه ما میدانیم که در زندگی روزمره خصوصی و اجتماعی ما با زتاب یافته و می یابد و همچنان

بسیاری از ما موقعیت فعلی خود را با گذشته و باگذشتگان خود به خوبی درک میکنیم که بدون تردید به سوی تعالی در حرکت هستیم، این همه فقط و فقط از برکت معارف است، پس اگر چنین است چرا با عبدالکریم نوجو وامثال او ملحق نشویم؟ نوجو، پیکار، نیرو، حسنیاروسایر دوستان صاحب استعداد و دانش با بکار بردن دست و دماغ خویش به آسانی میتوانند لقمه نانی را در هر کجائی از دنیا باشند، بدست بیاورند و هیچکدام شان برای رفع نیاز های شخصی خود دست به کسی دراز نکرده اند و نه خواهند کرد و اما آنچه مطرح است پای منافع جمعی در میان است که از ثمره آن همه ما بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مستفید میشویم. جای بسا تأثر است که به خاطر سر باز زدن از پرداخت مبلغ اندک به صندوق عامه مسایل قریه و قشلاق را عنوان کنیم، آنهم در شرایطی که از توان مالی نسبتاً خوب برخوردار باشیم. روی سخن من متوجه هموطنان ما مقیم کانادا است که آگاهانه و یا غیر آگاهانه در برخی از موارد کار شکنی میکنند. من به این عده از هموطنانم نه حق نصیحت دارم و نه مشوره میدهم اما به حیث هموطن و هم شهری اینقدر حق برای خود قایل هستم که بگویم که :

هموطن، همشهری و هم تبار عزیز، سرت را به گریبانت فروکن، اگر شما به منافع فردی خود توجه دارید، پس به منافع جمعی نیز بی توجه نباشید، اگر منافع کوتاه مدت خود را در نظر داری، پس به منافع درازمدت خویش نیز بی تفاوت مباش. همه ما اشتباه میکنیم ولی کسیکه در رفع اشتباه خود تلاش میکند، شجاع و واجب الاحترام است.

اکنون که محترم نوجو صاحب و همکارانش به ابتکار جدیدی دست زده اند و صفحه تازه ای از فعالیت اجتماعی را باز کرده اند (و یا در حال باز کردن هستند)، پس بیائید با اوشان از کمک ویاری درحد توان دریغ نکنیم، من در مورد مصمم هستم، شما چطور؟

محترم کریم نوجو، فرد شایسته سالاری است که میشود به او اعتماد کرد. من به ستایش محترم نوجو نمیشینم اما از اطمینان درونی خود نسبت به اوسخن میگویم. محترم نوجو در طول حیات سیاسی و اجتماعی خویش خون سرد و شفاف عمل کرده است و هیچگاه تسلیم تحجرگرایی اید یولوژیکی نشده است و همسفر تا نیمه راه نیست .

سخن آخر اینکه بر مبنای تجارب گذشته میتوان گفت سازمانها و نهاد های سیاسی و اجتماعی که در صحنه روزگار ظهور کردند و به اثر حوادث نا همگون از میان رفتند و یا خرد و خمیر شدند و به اشکال دیگری درآمدند که همان ماهیت اولی و اصلی خود را از دست دادند و اما نهاد های صنفی و اجتماعی که بر اساس وجه مشترک علم و دانش بنا یافته باشد از این امر مستثنا است در صورتیکه تداوم کاری آن از نسلی به نسل دیگر با دقت، کمال امانت داری و صداقت اجرا گردد. صفاتنیک در سرشت علم نهفته است و علم خود این صفات را نگهداری می کند.

به امید پیروزی علم بر جهل

موفق و کامگار باشید

نور علی